



پیشرفت هر دانش آموز پیشرفت من است

حجت‌الاسلام مصطفی اینانلو

تعلیم و تربیت موضوع بسیار مهمی است، تمام تلاش‌ها را کردیم تا از این قصه جان‌مانم و کاری انجام دهم، برای همین سراغ کودکان کار محله‌مان رفتم و آنها را به سمت درس خواندن سوق دادم تا استعدادهایشان شکوفا شود و خودشان را از شرایط بدی که در آن گرفتار شده‌اند، نجات دهند. به نظر من معلمی، شغل شیرینی است. اینکه پایه درددل بچه‌ها بنشینم و برایشان کاری انجام دهم و حس و حال خوبی دارم. به خصوص وقتی بچه‌ها رتبه‌های بیاورند و پیشرفت کنند، انگار رشد و پیشرفت هر کدام از آنها رشد و پیشرفت من است. اصلاً حال دلم با دیدن این بچه‌ها و تلاش‌شان خوب می‌شود. خانواده بچه‌ها مدرسه‌مان که عمدتاً از قشر ضعیف جامعه هستند و گاهی به دلایلی به هم ریخته‌است، وقتی می‌فهمند که فرزندشان در درس‌هایش موفق است یا رتبه‌ای آورده، سرحال می‌شوند و برای چند روز هم که شده مشکلاتشان را فراموش می‌کنند. در کنار اینها، ساختن شغل معلمی زیاد است، دریافتی معلمان به خصوص در مدرسه‌ها کم



پادهدی و یادگیری از تقابله پیدا کند، برای ما اهمیت دارد که مدیران و کاره‌دهستان آموزشی نیز وظایف خود را به درستی انجام دهند، فراهم کردن شرایط مطلوب تدریس و تحصیل برای معلم و دانش‌آموز از جمله وظایفی است که گاه از سوی مسئولان به درستی انجام نمی‌شود. اینکه تراکم بالای کلاس درس مانع از شکل‌گیری آموزشی باکیفیت و انرژی خود را صرف کنند، اما نگاه اقتصادی نداشته باشند، با این نگاه مهم‌ترین خواسته معلمان ارتقای معیشت است، اینکه حقوق آنها سال‌هاست از شتاب تورم جامانده‌است و تناسیبی بین نرخ تورم با افزایش حقوقشان وجود ندارد، به شدت آزاردهنده است. حال شما این نازاری را کنار نبرد رفاهیاتی بگذارید که معلمان فقط استمشی می‌شوند و از دریافت این سهم خود، از دولت محروم هستند. این واقع ناعدالتی شدیدی است که معلمان از آن رنج می‌برند و همیشه گلابه‌مندی از این نابربری‌ها هستند.



در کنار نگاه معیشت‌محور به معلمی، همواره ما و همکارانمان با همان خصلت‌های خاص این شغل، نگاه جدی به تحول و کیفیت‌بخشی به نظام آموزشی داشته‌ایم. همیشه با ریزبینی‌های دقیق و کارشناسی شده نظام آموزشی را به چالش خواهیم کشید، برای ما معلمان درست‌است که معیشت در اولویت است، اما تنها مطالبه و خواسته ما نخواهد بود. معلمان نیز علاقه‌مند هستند که کیفیت

معلمان انگیزه می‌خواهند

این شغل مشکلات و همچنین مطالباتی نیز وجود دارد که اگر مسئولان امر بدان توجه داشته باشند، معلمان می‌توانند به موفقیت‌های خود و حال خوبی به من دست می‌دهد، به خصوص اینکه در مدرسه‌های مجتمع گونه کار می‌کنم و در آنجا مدارس ابتدایی، متوسطه اول و دوم را دارم، انگار دوران کودکی‌ام مرور می‌شود. وقتی درسی را به دانش‌آموزان یاد می‌دهم هم این ذوق من دوچندان می‌شود. به قول یکی از استادانم که می‌گفت: شیرین‌ترین لحظه برای من لحظه‌ای است که مطلبی را به شخصی یاد می‌دهم و او با تأیید واقعی، سسرها را تکان می‌دهد؛ یعنی آن را فرا گرفته است. ذوق معلمی برای من از همان دوران کودکی بود، روزهایی که خودم یک دانش‌آموز بودم، مطالبی را که خوب یاد می‌گرفتم، برای همکلاسی‌هایم تشریح می‌کردم و حتی در ایام پایان‌ترم آن مطالبی را که به خوبی درک کرده بودم، به باقی بچه‌ها یاد می‌دادم، اینگونه حتی مفاهیم درسی در ذهن خودم هم بهتر و بیشتر تثبیت می‌شد. همان موقع بود که شیرینی تدریس در وجود شکل گرفت. معتقدم که باید یک رابطه رفاقت‌گونه بین معلم و دانش‌آموز البته توأم با حفظ احترامات شکل بگیرد، به همین دلیل تمام تلاش‌ها را کرده‌ام تا بچه‌های کلاس‌م رفیق باشم و در عین حال آنها از من حساب هم می‌برند. فکر می‌کنم بهترین نکته در شغل معلمی همین باشد، تا هم دانش‌آموز از یاد گرفتن درس لذت ببرد و هم معلم با عشق تدریس کند و به قدری حس و حال خوشی داشته باشند که حتی گذر زمان را متوجه نشوند، اما در

به مناسبت روز معلم، معلمان در گفت‌وگو با «جوان» از سختی‌ها و زیبایی‌های شغلشان می‌گویند

تلخ و شیرین معلمی



ایرنا

روز معلم از راه رسید؛ معلمی که اساسی‌ترین نیاز جامعه را که همان تعلیم و تربیت است، بر عهده دارد. اگر حال معلم خوب باشد، حال کلاس درس، مدرسه، محله، شهر و به طور کلی کشور خوب خواهد شد، چرا که او می‌تواند به اندازه پدر و مادر در زندگی یک کودک و نوجوان اثر گذار باشد. چه بسا افرادی که مسیر زندگی‌شان به دلیل داشتن معلمی خوب به سمت بهتری تغییر کرد و آنها توانستند موفقیت‌هایی بی‌شماری را کسب کنند. با وجود همه کم و کاستی‌هایی که در شغل معلمان وجود دارد، اما آنها عاشقانه معلمی می‌کنند و برای بهتر شدن روند آموزش و پرورش گام می‌دارند. هر چند مشکلات بسیاری دارند، اما عمده آنها به دلیل احساس

مسئولیت، کارهایشان را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهند. می‌گویند این شغل، تلخی‌ها و شیرینی‌های زیادی دارد، شیرینی از این بابت که رشد و پیشرفت هر کدام از دانش‌آموزان، آنها را ذوق‌زده می‌کند و تلخی از این بابت که تعداد زیادی از معلمان برای گذران زندگی‌شان تا چار هستند تا شغل دوم و سومی داشته باشند؛ این در حالی است که اگر معلمان در آمد کافی داشته باشند و در مقام و جایگاه بالایی در جامعه برخوردار شوند، می‌توانند با دغدغه کمتر و فراغ‌خالی بیشتری به این شغل مهم بپردازند. به مناسبت روز معلم از تعدادی از معلمان خواستیم تا درباره تلخی‌ها و شیرینی‌های شغلشان صحبت کنند و از درد دل‌هایشان بگویند.

پیامدهای سیاست‌زدگی در نهاد آموزشی

نهاد آموزشی کشور به مانند هر ساختار اجتماعی دیگری در جریان تغییرات اجتماعی و سیاسی نظام دخیل بوده و خواهد بود و نمی‌توان این سیستم را جدا از مسائل و رخداد‌های اجتماعی تعریف کرد، اما چه مسائلی رخ داده‌است که در این نوشتار کوتاه به نقد و بررسی آنچه مابین فضای سیاسی و نهاد آموزشی کشور می‌گذرد، پرداخته‌ایم. پیش‌تر نیز عنوان شد که افراد دخیل در نهاد آموزشی به صورت جامع یکی از ارکان در رخدادها و تغییرات اجتماعی هستند. نقد اصلی ما به این رابطه آن است که نحوه تأثیرات یکسویه شده و تنها فعالان سیاسی بر این نهاد اثر گذار هستند و شوربخانه این فرآیند اثر گذار کارکردهای آموزشی از قبیل: آموزش فرهنگ سیاسی، آموزش نحوه جامعه‌پذیری، ایجاد فرهنگ مین‌دوستی را که همواره بار و پرستار ملک و ملت باشند از افق دید خارج کرده و آن را تا حدی تقلیل داده‌اند که نزاع‌های درون‌حزبی برای تصدیق مناصب این وزار تخانه در مقاطع کوتاه‌مدت در اولویت برنامه‌های متصدیان قرار گرفته‌است.

سیاست‌زدگی آموزشی در جریان فرآیندی رخ می‌دهد که افراد مصالح شخصی و گروهی خود را اولویت داده و منافع شخصی عمده عامل آنها برای پذیرش مناصب می‌شود، سپس به منصب دیگری کوچ می‌کنند بدون آنکه اندکی پاسخگو باشند. در ریشه‌یابی این رویدادها به پیوندهایی می‌رسیم که در نتیجه نزدیکی متصدیان به هرم‌های قدرت رخ می‌دهد و سرانجام این ارتباط، مهم‌ترین نقشی در جریان توزیع مناصب را دارا می‌شود. از آنجا که ضابطه‌ها از جریان خارج می‌شوند و افراد کم‌توان و بدون تجربه و علم به بدنه آن سمت کلیدی راه پیدا می‌کنند، براه نیست اگر عنوان شود که این افراد نهاد آموزشی را به سمت و سوی انحطاط کشانده‌اند. پیامدهای این شرایط بیش از هر چیزی به ایجاد نوعی از ناامیدی به آینده در سیستم ختم شده‌است که افراد دیگر امیدهی به اصلاح مشکلات نخواهند داشت.

دولت سیزدهم در مرداد ۱۴۰۰ تا به امروز چهار نفر را برای کسب رأی اعتماد برای ریاست وزارت ا. پ. ب. به مجلس شورای اسلامی معرفی

کرده‌است. اینکه در طول مدت کمتر از سه سال این حجم از تغییرات در این وزارتخانه دیده می‌شود، نشان‌دهنده نوعی از روزمرگی و بی‌برنامگی است که تنها شامل این دولت نیز نمی‌باشد. سبیل حاصل از تغییر دولت‌ها، تغییر وزیران و نمایندگان مجلس ابتدا افراد نشسته بر کرسی‌های این وزارتخانه از رأس تا ذیل را با خود می‌برد. آیا از وزارتی که این حجم از تغییرات در آن صورت می‌گیرد، می‌توان انتظار اجرای مطلوب برنامه‌ها و چشم‌اندازها را داشت؟ آیا کرسی‌های کوتاه‌مدت، دغدغه اجرای برنامه‌های تعیین شده را دارند؟ مسلماً پاسخ این سوالات منفی می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین نتایج همین سیاست‌زدگی‌ها که به واکاوی ریشه‌های آن پرداختیم، ایجاد نظام ناهمگون آموزشی است. مدعای ما برای ترسیم نظام ناهمگون روندهای داوطلبان، رشته‌های دانشگاهی در چند سال اخیر است. کاهش محسوس داوطلبان رشته ریاضیات که زیربنای توسعه جامعه را معین می‌کنند و در مقابل حجم انبوه داوطلبان در رشته‌های اشباع‌شده علوم تجربی و علوم انسانی را می‌بینیم که ختم به فقر نیروی کار خبره و مهندسان در صنایع مختلف و از آن سو تعداد بالای افراد در سن کار اما بی‌شغل خواهند شد. از منظر کار فرهنگ و هویت اگر به تعمق در موضوع بنشینیم، تأثیری که از سیاست‌زدگی رخ می‌دهد بسیار جدی و قابل توجه است. جنگ نرم و تلاش کشورهای متخاصم برای رسیدن به مقاصد از راه تأثیرات فرهنگی، امروزه به یکی از چالش‌های جدی برای متصدیان عرصه آموزشی و فرهنگی کشور تبدیل شده‌است. عدم شناخت از رخداد‌های فرهنگی و نداشتن برنامه برای مواجهه با آن برای متصدیان آموزشی و فرهنگی به ایجاد مشکلات فراوانی در عرصه فرهنگ و هویت ختم شده‌است؛ از کمرنگ شدن حس میهن‌دوستی تا ناهنجاری عرصه اجتماعی و خانوادگی از مهم‌ترین پیامدهای فرهنگی و هویتی است که یکی از مؤلفه‌های ایجاد آن، سیاست‌زدگی‌های آموزشی است. و اما نظام آموزشی سیاست‌زده هرگز پاسخگوی این حوادث نخواهد بود....

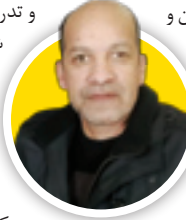
✽ دبیر آموزش و پرورش



معلمی آرزوی اکثر دانش‌آموزان است

حسین افشاری

در سنین کودکی همه ما بنا بر علائق و مشاهدات همواره مشاغل مختلفی را به عنوان آرزو در ذهن داریم که به مرور زمان و با افزایش سن و اطلاعات، معیارها تغییر می‌کند و البته شرایط زمانی و محیطی نیز گاهی مانع تحقق برخی آرزوها می‌شود. معلمی غیر از شغل پدر و مادر، اولین شغلی است که پسران و دختران از زمان ورود به مدرسه به صورت ملموس و مستمر با آن مرتبط می‌شوند و از آنجا که معلم در کلاس، جایگاه ویژه‌ای دارد، جزو امال اکثریت دانش‌آموزان است. اما به مرور در نوجوانی و جوانی کم‌رنگ‌تر می‌شود، اما من، به جز آرزوی کودکی و حضور برادری بزرگ‌تر در کسوت معلمی در خانوادهم، بنابراین وارد رشته تحصیلی دبیری ریاضی شدم، اما از ابتدای ورود به دانشگاه با عشق و علاقه شدید به تحصیل در این رشته، به نحوی در میان ورودی‌های خود توانستم رتبه اول فارغ‌التحصیلی را کسب کنم و با همین شوق و علاقه بود که هم‌زمان با اشتغال به کار، ادامه

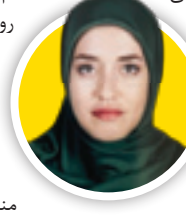


تحصیل در کارشناسی ارشد آنالیز ریاضی دادم و علاوه بر تدریس در دبیرستان‌های کاشمر، در دانشگاه‌های منطقه و نیز خانه ریاضیات کاشمر به تدریس پرداختم. همچنان این شوق به معلمی در وجود من قرار دارد، به نحوی که وقتی در میانه راه خدمت دچار کسالت شدم و از حضور و تدریس در کلاس درس محروم شدم، در خانه ریاضیات کاشمر به برگزاری دوره‌ها و مسابقات متفاوت برای علاقه‌مند شدن کردن کودکان و نوجوانان به ریاضیات پرداختم و در ادامه با تأسیس گروه خیرات کتاب کاشمر برای تجهیز کتابخانه‌های مدارس کاشمر و علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به کتاب و کتابخوانی تلاش کردم و همچنان به آن مشغول هستم. در هفته معلم پیش‌رو، دو کتابخانه در دو مدرسه روستایی در کاشمر به یادبود یک معلم مرحوم جهاندیده، با کمک مالی خانواده آن مرحوم، افتتاح خواهیم کرد و از مسیری که در آن قرار دارم، خرسندم.

کاش نگاه آموزش و پرورش حمایتی شود

نسترن دانه‌کار

همین جا لباس مدرسه‌شان را می‌شویند و آن را تو می‌کشند، این بچه‌ها با گروه ما خو گرفته‌اند و شبیه به اعضای خانواده‌مان می‌مانند. اصلاً خانه دوم بچه‌ها، مدرسه است و بخش عظیمی از تعلیم و تربیت آنها در مدرسه انجام می‌شود. به همین دلیل ما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که حتی روی اخلاقی رفتار بچه‌ها هم تأثیر مثبت بگذاریم؛ یعنی فقط درس را ملاک کارمان قرار ندادیم. می‌خواهیم تک‌تک آنها رشد فردی داشته باشند و به مرور زمان روی محله‌شان که جای مناسبی برای زندگی نیست، تأثیرات خوبی بگذاریم.



معلمان حتماً هیچ دستمزدی ندارند و تنها مبلغ ناچیزی که توسط کمک‌های مردمی به دستمان می‌رسد، سهم آنها می‌شود. ما یک سازمان کنگسی را در کوره‌های آجرپزی با همین کمک‌های مردمی رنگ کرده‌ایم و شکل و شمایلش را تغییر دادیم تا بچه‌ها با حضور در آنجا حس و حال خوبی پیدا کنند. اگر خیالمان از تأثیر وسایل آموزشی و حقوق معلمان راحت باشد، بدون شک بهتر و بیشتر می‌توانیم به این بچه‌ها رسیدگی کنیم. امروز حتماً با لطف خدا و کمک مردم سرپا مانده‌است، اما اگر نگاه وزارت آموزش و پرورش و همچنین مردم به مدارس چون ما که به صورت جهادی کار می‌کنیم، نگاهی حمایتی باشد، کودکان بیشتری از بی‌سوادی و ماندن در زندگی محرومانه، نجات پیدا خواهند کرد.

معلمان مدارس استثنایی را دریابید

میر حافظ حسینی

معلمی شغل خیلی قشنگی است، اما چالش‌های زیادی دارد. بیشتر این چالش‌ها در همه معلمان می‌شناسند. یعنی همان مسئله معیشتی. من خودم یک معلم هستم که با ۱۲ سال سابقه کار و مدرک ارشد، حقوق بسیار کمی می‌گیرم. حداقل انتظاری که از آموزش و پرورش داریم این است که به معیشت معلمان به خصوص در بخش معلولان توجه بیشتری داشته باشند. من به دلیل مشکل نابینایی که دارم برای ایاب و ذهاب هزینه زیادی را متحمل می‌شوم. البته این همه چالش‌های مدارس استثنایی نیست، بچه‌ها با آسیب بینایی یا سایر معلولیت، خیلی احساساتی هستند و خانواده‌هایشان هم همینطور. آنها خیلی زود با یک مسئله کوچک، دلخوری می‌شوند و دانشان می‌شکند. در چنین شرایطی من و همکارانم که خودمان در زندگی‌هایمان مشکلات مختلفی داریم، باید همه تلاش‌مان را کنیم تا این مشکلات وارد کلاس درس نکنیم؛ مثلاً اگر شب قبل مشکلی در خانه پیش آمده به هیچ عنوان حتی ذره‌ای از آن را نباید به دانش‌آموز منتقل کنیم. مسئله دیگر وابستگی این بچه‌های استثنایی به معلمانشان است، چرا که آنها را در زده پدر یا مادر خود می‌بینند. وقتی این دسته از دانش‌آموزان، احساس خوبی از معلمان می‌گیرند بیش از پیش به او وابسته می‌شوند، تا جایی که گاهی برخی از آنها می‌گویند که می‌خواهند ما پدر و مادرشان باشیم. در



چنین شرایطی جدا شدن از دانش‌آموز پس از پایان سال تحصیلی بسیار سخت می‌شود. موضوع دیگری که هست، برخی از این بچه‌ها در کنار نابینایی مشکلات دیگری هم دارند. بررسی‌هایی که انجام شده ۲۰ درصد نابینایان از مشکلات دیگری هم رنج می‌برند، ممکن است دیرآموز باشند یا دچار مشکلات حرکتی شوند. اینها شرایط تدریس را سخت‌تر می‌کند. به همین دلیل مناسب‌سازی دانش‌آموزی به نیاز است. آموزش به ضرورت است. اسامال من سه پایه تحصیلی دارم که باید چهار دانش‌آموز را با ویژگی‌های متفاوت و پایه‌های متفاوت مدیریت کنم. مثلاً یکی از آنها اول، دیگری دوم و نفر بعدی پایه چهارم است. یکی از آنها کم بینا، دیگری دیرآموز و نفر بعد هم مشکل متفاوتی دارد. حال تصور کنید که مدیریت این چهار نفر با مشکلات متفاوت چقدر سخت خواهد بود، وقتی به یکی از آنها درس می‌دهم، باید تکلیف درسی به سه نفر دیگر بدهم تا زمان آموزش را مدیریت کنم! متأسفانه شرکت در بازی‌های کودکان برای بچه‌های استثنایی سخت است. معمولاً بچه‌های دیگری می‌دوند و بالا و پایین می‌برند، اما آنها نمی‌توانند این کارها را انجام دهند. چنین مواردی ایجاد ناراحتی می‌کند. سال اول استخدام من بود که یکی از والدین گفت: «میدارم تمام کودکان دنیا قاعده بازی‌های خود را عوض کنند تا کودک من نیز بتواند با آنها بازی کند.»